

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
بدین بوم و برزنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

حمید محوی

۰۴ اگست ۲۰۱۳

(تأملاتی پیرامون جهان نمایش)

واکنش مردم فرانسه علیه تصویب لایحه قانونی برای ازدواج همجنسگرایان و کسب حق فرزند خواندگی برای آنها در تلافی با جهانی سازی حضور همجنسگرایان از طریق سایت های پورنوگرافیک در اینترنت.

تصویب لایحه قانونی سازی ازدواج همجنسگرایان و کسب حق فرزند خواندگی برای آنها توسط پارلمان فرانسه موجب واکنش هائی از سوی مردم فرانسه شد. برای آگاهی و درک این واکنش ها ما برای این نوشته مصاحبات آلن سورال روزنامه نگار و فعال اجتماعی فرانسوی را انتخاب کردیم. در ویدئو های آلن سورال که در یوتوب انتشار یافته، در عین حال تصاویری از این واکنش ها و تظاهرات توده m را می توانیم ببینیم (۱). در اینجا با تکیه به تحلیل های آلن سورال نه تنها به عنوان روزنامه نگار آلترناتیو و فعال میهن دوست و اجتماعی، بلکه به عنوان نماینده فکری و عقیدتی بخش مهمی از جامعه فرانسه به محتوای این واکنش ها آگاهی خواهیم یافت. و سپس این موضوع را در تلافی با حضور همجنسگرایان در سایت های پورنوگرافیک در اینترنت، به عنوان ترفندی از ترفندهای جهانی سازی برای تخریب ملت ها و پایه های تمدنی (غرب و به همین گونه شرق و شمال و جنوب جهان) در نقطه مفصلی جهانی سازی آن به ویژه در رابطه با نتایج چنین وضعیتی برای کاربران ایرانی اینترنت در ایران که روی اینگونه سایت ها کلیک می کنند تأملاتی خواهیم داشت.

واکنش مردم فرانسه :

ویدئوی آلن سورال تحت عنوان « ازدواج همجنسگرایان طرح شیطان پرستان و ماسونیک است » (۱)، با یادآوری شعار نخستین تظاهرات آغاز می شود :

تظاهرات برای همه، برای خانواده، برای عشق، برای تمدن

چنان که در این شعار تدارک دیده شده برای نخستین تظاهرات مردمی در فرانسه می بینیم «تظاهرات برای همه» با کنایه به «ازدواج برای همه» به نظر می رسد که معرف و نام پرونده قانونی سازی ازدواج همجنسگرایان و تأیید قانونی حق فرزندخواندگی برای آنها در سنای فرانسه می باشد. در نتیجه مردم فرانسه یعنی بیش از ۱۷ میلیون خانواده فرانسوی به «ازدواج برای همه» که با هوشمندی تمام به توطئه ای که از سوی اولترالیرالیسم آنگلو ساکسون و فراماسونری برای آنها تدارک دیده شده و پایه های تمدنی ملت فرانسه را مورد تهاجم قرار داده است، با «تظاهرات برای همه» پاسخ گفتند.

آلن سورال می گوید : «در اینجا ما با محور مقاومت فرانسه، فرانسهٔ اعماق به مفهوم واقعی و خوب و بنیادی کلمه روبه رو هستیم. در این تظاهرات از تمام طبقات شرکت داشتند، تمام احزاب سیاسی، همه در مقابله با خواست گروهک الیگارش حاکم که در پی تخریب ساختار تمدنی ما یعنی تخریب خانواده می باشد، صف کشیدند. خانواده ساختاری غیر تجاری به مفهوم عمیق کلمه است. خانواده همان عنصری است که از چنگ بازار می گریزد. زیرا ازدواج بر اساس عشق صورت می گیرد و در چهار چوب چنین ازدواجی است که کودکان به دنیا می آیند و این طبیعت است که چنین امری را ممکن می سازد. کودک در بطن چنین پیوند عاشقانه ای بزرگ می شود، به ویژه در پیوند با عشق مادر. یعنی مادری که به خاطر کاری که انجام می دهد حقوقی دریافت نمی کند، و این موضوع واقعاً شرم آور است. در اینجا ما در بطن بشریت هستیم، زیرا از این طریق است که زندگی نوع بشر ممکن می گردد. مرد و زن در عشق و در رابطه عاشقانه بچه به دنیا می آورند و تداوم حیات جامعه به این کودکان بستگی دارد و نه مثل «پی بر برژه» (۲) از طریق مردانی که به کون یک دیگر می گذارند.

بچه ها باید وجود داشته باشند تا جامعه تداوم یابد. در غیر این صورت باید بچه های مصنوعی ساخت یا مادرانی را در جهان سوم خریداری کرد... در اینجا ما مستقیماً وارد جهان «لا ویلن لولو» (لولوی بدجنس) (۳) می شویم.»



آلن سورال ادامه می دهد و می گوید : «مردم فرانسه بر خاستند تا در مقابل این جریانی که می خواهد ساختار بنیادی جامعه را از بین ببرد محور مقاومتی ایجاد کنند. ساختار بنیادی و تمدنی ما یعنی بر اساس خانواده با ترکیب دو جنسی و تک همسری بنا شده که در عین حال از جهان کالائی می گریزد. در واقع شعار «ازدواج برای همه» را باید به مفهوم ازدواج برای هیچ کس تلقی کنیم زیرا در واقع در پی تخریب این الگوی تمدنی است.

ما با نظامی سروکار داریم که می خواهد همه چیز را به کالا تبدیل کند : بدن زن، کودک... چه کسی خواهان چنین وضعیتی است ؟ بی گمان، نظام مالی جهانی.»

(در ویدئو مردی را می بینیم که باردار است و در شکمش بچه حمل می کند. توماس مرد بارداری که در یک ماه دیگر بچه اش را به دنیا می آورد. چون که همسرش نمی توانسته باردار شود...)

آلن سورال می گوید: «جهان وارونه و شیطانی شده است. مردم فرانسه مقاومت می کنند. تظاهرات دوم گسترده تر بود. ۲۴ مارچ ۲۰۱۳ بیش از یک میلیون و چهار صد هزار نفر به خیابان ها آمدند. قدرت حاکم باید تسلیم شود، زیرا به هیچ یک از منافع عینی مرتبط نیست، نه تولیدی و نه انتخاباتی... به جز جوانان که تصور می کنند که این یک جریان مدرن است. خیلی آدم باید احمق باشد که تصور کند که هر چیز تازه ای حتماً خوب است. خانم «توبیرا» که سیاه برزنگی در خدمت نظام است و مسئولیت این پرونده را در سنا به عهده دارد، یک خیانتکار است. من مطمئن هستم که اگر مردمانی

در جهان وجود داشته باشند که مخالف این نوع ازدواج ها هستند، نخستین آنها همین سپاه پوستان فرانسوی هستند، آنتیه ای ها، گویان ها و غیره.»

«آلن سورال» مستقیماً خانم «توبیرا» را مخاطب قرار می دهد و به او می گوید: «تو بالاترین خیانت ها را به مردم سپاه پوستان فرانسه و فرانسویان مرتکب شده ای و در خدمت اهداف شیطانی فراماسونرها و اهداف جهانی سازی هستی...»

سپس آلن سورال به همان چشم اندازی اشاره می کند که «ژان میشل ورنو» در کتاب «ایران، تخریب ضروری» مطرح کرده بود، یعنی نظم نوین جهانی به عنوان نظامی غیر اخلاقی که به تخریب اخلاق - خانواده و عشق - به عنوان ضرورتی برای گسترش جهانی سازی نیازمند است.

در این ویدئو «برنارد هانری لوی» را می بینیم که به نام «برابری» از ازدواج همجنسگرایان دفاع می کند. موضوعی که «آلن سورال» آن را کلاهبرداری روشنفکرانه می نامد. برای خوانندگان فارسی زبان در اینجا که با نام این شخص آشنائی ندارند، باید یادآوری کنم که «برنارد هانری لوی» از مدافعان سرسخت اسرائیل و احتمالاً صهیونیست است که طی جنبش سبز به همکاری لابی های پنتاگون و اسرائیل و اپوزیسیون های ایرانی خارج از کشور در فرانسه، غالباً تجزیه طلبان به انضمام «محسن مخملباف» و «مرجان ساتراپی» و بخشی از هنرمندان مورد حمایت تروریسم بین المللی به رهبری ایالات متحده در پاریس، در گوادالوپ ۲ که تخریب ایران را تدارک می دیدند، شرکت فعال داشت...

«آلن سورال» بر این باور است که قانونی سازی ازدواج همجنسگرایان و حق فرزندخواندگی از طرح های فراماسونری است که به شیطان معتقد هستند. و سپس به جریان هائی مثل «فمن» (۴) یعنی جریانی مشابه «پوسی رایوت» ها اشاره می کند. دخترانی با پستانهای عریان و حالت های هیستریک که به کلیسا و مسجد حمله می کنند و در مورد اینها می گوید که این ها عروسک های خیمه شب بازی هستند، و بیشتر به سربازان شیطان شباهت دارند که می خواهند علیه خدا بشورند و نظم را مختل سازند، بدن زن را کثیف می کنند، بدن مادر، پستانهایشان را نشانی می دهند با حالت های دیوانه وار که تداعی کننده هیستریکهای قرن پانزدهم است. بی حرمتی به مقدسات از خصوصیات آنها می باشد. در قطعه ای که تحت عنوان «فمن از دیدگاه آلن سورال» (۵) مشخصاً این گروه فمن ها را نیمه فاحشه و حتی فاحشه می نامد، که از سوی محافل جهانی سازی هدایت و حمایت می شوند. گروه کاملاً مشابهی به نام «پوسی رایوت» در روسیه تلاش می کردند که «پوتین» را سرنگون کنند. پپیش از این در گاهنامه هنر و مبارزه مطالبی درباره آنها منتشر شده است. گروه «فمن» ها که گویا اصلاً اوکرائینی هستند، در تظاهراتشان در فرانسه نیز همکاری پیدا کردند. از جمله یک دختر فرانسوی که به عنوان سخنگوی آنها در فرانسه برگزیده شده بود. دوست پسر این دختر فرانسوی، پس ازدیدن دوست دخترش در تلویزیون با «آلن سورال» تماس گرفته و برای او نوشته است که این دختر خانم دوست دختر او بوده و هنگامی که با او بوده بی آن که اطلاعی از فعالیت دوست دخترش داشته باشد، روزی از روزها کشف می کند که این دختر خانم در انترنت فاحشگی می کند و به همین علت از او جدا می شود. این مرد جوان اعلام کرده است که در صورت نیاز تمام مدارک عینی برای اثبات حرفهایش را در اختیار دارد.

«آلن سورال» طی حرفهایش، می پرسد، «...حتی خود همجنسگرایان نیز خواهان چنین ازدواجی نیستند، پس باید پرسید که این کدام گروهک لابی اقلیت است که خواهان چنین لایحه ای بوده است؟»

تا اینجا ما دقیقاً با نظریات «آلن سورال» به نمایندگی از ۱۷ میلیون خانواده فرانسوی با اکثریت قاطع کاتولیک ها آشنا شدیم و امیدوارم که همین موضوع برای میان فرهنگی ایران و فرانسه زمینه مساعدی فراهم سازد، زیرا همین سیستمی که به بنیادهای تمدنی فرانسه حمله کرده در عین حال بخشی از فعالیت های نمایی و فرهنگی ایرانیان در فرانسه را نیز

به همین همجنسگرایان سپرده و بقیه را نیز به تروریست ها واگذار کرده است. بهبودی مناسبات ایران و فرانسه به تداوم همین مبارزات مردم فرانسه و بی گمان مردم ایران و به ویژه ایرانیان فرانسه نشین بستگی دارد.

جهانی سازی حضور همجنسگرایان از طریق سایت های پورنوگرافیک در اینترنت (تأملاتی پیرامون جهان نمایش)

بی گمان موضوع سایت های پورنوگرافیک، از همان آغاز گسترش اینترنت یکی از موضوعات دائمی بوده و بر اساس آمارهایی که در رسانه ها اعلام کرده اند، بیش از یک چهارم تمام کلیک هایی که هر روز در سر تا سر دنیا روی اینترنت انجام گرفته، به سایت ها و شبکه های پورنوگرافیک مربوط بوده است.

در مورد ایران، می دانیم که جمهوری اسلامی ایران برای اینترنت محدودیت هایی قائل شده ولی با این وجود کاربران غالباً با استفاده از فیلتر شکن و شیوه هایی که از طریق خود اینترنت به آنها پیشنهاد می شود به شبکه های خارجی و خاصه سایت های پورنوگرافیک دسترسی داشته اند. در نتیجه اگر در غرب ممنوعیتی برای مراجعه به این دسته از سایت ها و شبکه ها وجود ندارد، در ایران مفهوم سیاسی مضاعفی را به خود جذب می کند، و احتمالاً - متأسفانه - برای کاربران به عبارتی خاص به مفهوم آزادیخواهی و پیشرفت تعبیر می شود.

در اینجا مشخصاً باید از نقشی که سایت های پورنوگرافیک در تحریف افکار عمومی بازی می کند بگوئیم. گویا که مشاهده سایت های پورنوگرافیک این توهم را در اذهان عمومی کاربران ایرانی ایجاد کرده و تصور می کنند که گوئی مناسبات جنسی در غرب واقعاً به همین شکلی است که در این سایت ها مشاهده می کنند. در حالی که ما در سایت های پورنوگرافیک با صنعت نمایش (عکاسی و سینما) سروکار داریم که مدیران اصلی آن نیز لابی های یهودی یا صهیونیست هستند، نشانه ها . بازنمایی های شیطان پرستی نیز در این وادی مجازی پورنوگرافی کم نیست. در نتیجه باید بین جهان نمایش پورنوگرافیک و واقعیت مناسبات جنسی در غرب تفاوت قائل شویم. قیام مردم فرانسه علیه الیگارشی نئولیبرال جهانی گرا نشان داد که فرانسوی ها تا چه اندازه به خانواده وابستگی و علاقه دارند، و با تمام گرفتاریهایشان در سطح توده های میلیونی به خیابان آمدند تا نگرانی خودشان را از وضعیتی که به ویژه برای کودکان در رابطه با تصویب قانون فرزند خواندگی برای همجنسگرایان به وجود آمده اعلام کنند، و میله های حفاظتی سنای فرانسه را به لرزه انداختند. متأسفانه چنین تفکیکی هنوز در اذهان عمومی کاربران ایرانی صورت نگرفته و تحلیلات پورنوگرافیک و انحرافی را به عنوان شیوه زندگی مدرن در غرب تصور می کنند. البته باید اعتراف کنم که در این زمینه ها از روی حدس و گمان می نویسم و امکان بررسی عینی این موضوع را هنوز در اختیار ندارم.

و اما موضوع حضور همجنسگرایان در اینترنت و به ویژه در سایت های پورنوگرافیک مسائل خاصی را برای ما مطرح می سازد، که در اینجا سعی می کنم به تدریج چگونگی و چرائی آن را روشن سازم.

برای روشن ساختن موضوع، فکر می کنم کمی باید به گذشته تاریخی غرب بازگردیم. در غرب موضوع همیشه بر سر زیباترین زن بوده است. «هلن» زیبا که موجب بر پا ساختن جنگ تروا شد، به طوری که حتی خدایان وارد میدان شدند... «ونوس» الهه زیبایی یکی دیگر از موضوعات دائمی هنرمندان و مجسمه سازان عهد قدیم و حتی جدید بوده است. برای مجسمه «ونوس» گویا که بین زنان یونان هفت زن را به عنوان زیباترین زنان انتخاب می کردند و سپس از هر یک از آنها بهترین قطعات را به عنوان الگو برمی گزیدند. ران پا متعلق به یکی از بهترین ران ها بین هفت زن زیبا و صورت ونوس از روی صورت یکی دیگر و غیره. در نتیجه الگوی پیکر ونوس از حاصل جمع قطعات بدن هفت زن زیبا بود. در تاریخ هنر، البته بدن مردان نیز بازنمایی شده است، به عنوان مثال بدن مسیح مصلوب، که در این صورت عربانی قطعاً به مفهوم بازنمایی درد و رنج مقدس و نجات بخش است. ولی وقتی موضوع بدن لخت را مطرح

می کنیم، همیشه بدن عریان زن ارائه شده است. حال اگر خیلی سریع به قرن بیستم برگردیم، طی جنگ ویتنام، دولت امریکا علاوه بر فاحشه خانه هائی که در ویتنام برای سربازانش ایجاد کرده بود، با توجه به خطر بیماری مقاربتی، برای سربازانش مجلات سکسی می فرستاد، مثل «پلی بوی». به طور کلی مجلات سکسی که در آن زنهای زیبا با بدن عریان نشان داده شده اند، و همیشه نیز مشتریانی در سر تا سر جهان داشته است.

ولی در دوران جهانی سازی، احتمالاً طی سال های هشتاد جامعه همجنسگرا نیز مجلات ویژه ای به مثابه «پلی بوی - این بار - نسخه همجنسگرا» برای خودشان ایجاد کردند. و وقتی سایت های پورنوگرافیک در اینترنت راه اندازی شد، تصاویر جنسی همجنسگرا نیز با توده عظیم تصاویر زنان عریان مخلوط شد، و همپای آنها منتشر گردید.

البته ما نمی دانیم آیا تصاویر مردان همجنسگرای عریان در ذهنیت و نگاه یک همجنسگرا واجد همان عملکردی است که رویت تصویر یک زن عریان برای یک مرد عادی؟ ولی می توانیم حدس بزنیم که دست کم یکی از ابزارهائی که به همجنسگرایان اجازه می داد که مناسبات خودشان را عادی سازی کنند، تقلید از سنت قدیمی تر یعنی بازنمائی زنان عریان بود. گوئی «برابری» که «برنارد هانری لوی» نیز مدافع آن است، به این معنا است که بازنمائی بدن زن عریان با بازنمائی بدن مرد عریان برابر است، و همین موضوع را می خواهند به عنوان اوج گیری دموکراسی خواهی و برابری تلقی کنند، ولی شگفتا که چنین برابری را در عرصه اجتماعی دیگر به ویژه در رابطه با طبقات محروم و موج بیکاران و بیکاران بسیار دراز مدت سزاوار نمی دانند.

ولی اینگونه به نظر می رسد که چنین تلاشی برای عادی سازی همجنسگرایی در اینترنت به شکل خاصی انجام گرفته است که باید با دقت بیشتری مورد بررسی قرار دهیم و به چگونگی و نتایج آن پی ببریم.

ابتداء باید ببینیم چه اتفاقی در شرف وقوع است، به این معنا که باید روند نمایشی - یعنی استفاده از سایت های پورنوگرافیک را در حالت خاصی مفروض شویم. یعنی مرد جوانی را باید مفروض شویم که از روی کنجکاوی و یا به خاطر جست و جوی لذت برای تماشای زنان زیبا و عریان به این گونه سایت ها و شبکه ها مراجعه می کند، و نه تنها برای تماشای زنان زیبا و عریان بلکه برای تماشای زنانی که در حال تحریک جنسی هستند و یا چنین حالاتی را به شکل نمایشی بازی می کنند.

این مرد جوان فرضی ما اگر چه در پی تماشای عکس زنان زیبای عریان و هوس انگیز است، و به عبارت دیگر به دلایل مختلف و از جمله سدهای واقعی برای دسترسی به زنان واقعی برای ارضای نیاز جنسی طبیعی به راه های غیر طبیعی و مصنوعی و مجازی روی می آورد (...)، ولی هم زمان این سایت و یا آن شبکه اجباراً محصولات دیگری را به نمایش گذاشته که مطلوب مرد جوان نبوده و در عین حال مشکل بتواند از دیدن آنها اجتناب کند. سایت های پورنوگرافیک نه تنها «تراوستیها» (مردان زن نما) بلکه تصاویر همجنسگرایان را نیز با تصاویر زنان عریان مخلوط کرده اند، به طوری که اجتناب از آن تقریباً برای کاربران این نوع سایت ها ناممکن است. در مورد تصاویر مردهای زن نما یا تراوستیها نیز با فنون عکاسی و نمایشی تا حدودی تفاوتها را از بین برده اند تا وقتی که فرد جوینده سرانجام کشف می کند که این زن زیبا در واقع یک مرد است و با یک آلت مردانه تحریک شده به او لبخند می زند. چنین وضعیتی را باید به قول معروف به عنوان اولین «تجاوز» جنسی مجازی صنعت نمایش در عرصه پورنوگرافیک به تماشاگران این نوع سایت ها تلقی کنیم، و همین واقعه هر چند در عالم مجازی روی می دهد، نخستین بهائی است که تماشاگرانی که به این نوع سایت ها مراجعه می کنند، احتمالاً باید بپردازند. و ارزیابی تفاوت مجازی و واقعی را در این رویداد جراحات بار به دیانگوستیک بالینی واگذار می کنیم. باید دانست که چنین رویدادی در جست و جوی انترنتی روی شبکه های پورنوگرافیک و در مورد رویت مردان زن نما و یا تصاویر همجنسگرایان خالی از جراحات روانی نیست. زیرا که اساساً خود همجنسگرایی یک جراحات روانی و بیمارناک است. به طور کلی اینگونه به نظر می رسد

که اساساً سیاست نمایشی حاکم مستقیماً در پیوند با سیاست خواجه سالاری و تجارتی ساختن بدن زنان سر و سامان یافته؛ به عبارتی خاص، صنعت نمایش نقش خواجه حرمسرا را به عهده دارد.

حال ما این تحلیل را کمی با گسترش و عمق بیشتری مورد بررسی قرار می دهیم. این بار فرد جوانی را که به شکل فرضی در نظر گرفتیم، در حالت تحریک جنسی در نظر می گیریم. او سایت ها و صفحات پورنوگرافیک را ورق میزند، زنان زیبا و عریان و تحریک کننده را تماشا می کند (پیوسته همراه با فانتسم ها و خاطرات گذشته)، از این تصویر به آن تصویر - او در حال تحریک جنسی کاملاً جذب صفحه مونیتر شده است. جست و جوی او اجباراً جست و جوی بی پایان خواهد بود زیرا در این تماشا موضوع بر سر تماشای بی پایان است، موضوع بر سر تمنائی است که هرگز پاسخی نخواهد داشت، در هر صورت به این شکل پاسخی نخواهد یافت و ارضا نخواهد شد - تمنائی که بی شباهت به چاهی عظیم و بی انتها نیست که هر چه در آن بریزند پر نخواهد شد - ولی همچنان به امید ارضای نیازهای جنسی و عاطفی اش به کلیک هایش ادامه می هد. ولی در این جست و جو احتمال خیلی زیادی برای او وجود دارد که با تصاویر نامطلوب یعنی زنانی با آلت مردانه و یا تصاویر همجنسگرا، حتی برای یک لحظه مواجه شود. در این صورت برای او چه اتفاقی روی می دهد؟ او در حالت تحریک جنسی به سر می برد و با فانتسم ها و الزاماً با خاطراتش در گیر است، و ناگهان با تصاویر همجنسگرا روبه رو می شود. در این صورت صفحه را عوض می کند و یا سعی می کند فوراً نگاهش را برگرداند و روی تصویر دیگری که مطلوب او می باشد، متمرکز شود. با این وجود در لحظه ای که به شکل ناخواسته و به عبارت دیگر به دلیل سیاست و نظام نمایشی حاکم اجباراً به تصویر ناخواسته برخورد کرده است، در صورتی که در حال تحریک جنسی به سر برده باشد، در اینجا می توانیم نتیجه بگیریم که مرد جوان در حالی که تحت تأثیر جست و جویهایش از دیدگاه جنسی تحریک شده بوده به شکل ناخواسته با کلیک هایش با آن تصاویر همجنسگرا روبه رو می شود. در اینجا حتی به شکل خیلی مبهم و در فاصله زمانی یک چشم به هم زدن - اجباراً - اختلاطی روی می دهد. این آن تجاوزی است که در بالا به آن اشاره کردم، و این همان خواست عادی سازی - و نه تنها عادی سازی - بلکه همگانی سازی همجنسگرایی است که امروز به دستگاه مؤثری دسترسی پیدا کرده است.

مطمئناً اگر رویت چنین صحنه ای موجب جراحات روانی برای او نشود (کوتاه مدت یا دراز مدت - و یا به شکل خاطرات مابعدی)، دست کم می توانیم بگوئیم که این مرد جوان از دیدن چنین تصویری حتا برای مدت یک چشم به هم زدن، حالت مطلوبی نداشته است. در حال حاضر به هیچ عنوان نمی توانیم دیاگنوستیک چنین واقعه ای را برای آن مرد جوان ماجراجوی اینترنتی و آماتور تصاویر زنان زیبای عریان و هوس انگیز را تخمین بزنیم. او در جست و جوی شیئی مطلوب بوده و به امید کسب لذت از تماشای زنان خیالی اش، گویی با دیدن تصاویر همجنسگرا به جهنم راه یافته است. به عبارت دیگر می توانیم بگوئیم که چنین تصاویری که به اجبار به کاربران اینترنتی در سایت های پورنوگرافیک تحمیل می شود، بی شباهت به تجاوز مجازی نیست. و این مخلوط سازی زنان زیبا و عریان اگر چه می تواند اساساً خود پورنوگرافیک را به مخاطره بیندازد ولی هدف چیز دیگری است. هدف این بوده که همه را به همجنسگرایی آلوده کنند و همین شیوه نمایش مخلوط - هر چند که جراحات بار باشد و به عبارت دیگر هر چند که از دیدگاه نمایشی ناموفق باشد - بخشی از سیاست عادی سازی و همگانی سازی همجنسگرایی است. به عبارت دیگر اتفاقاً چنین شیوه ای برای هدفی که پی گیری می کند موفقیت آمیز است. ولی به شکل تجاوز همگانی. یعنی موضوعی که گفتار «برابری» و دموکراسی و جز اینها را قویاً نفی می کند.

نکته دیگری که از حضور این نوع تصاویر همجنسگرا در سایت های پورنوگرافیک می توانیم نتیجه بگیریم، این است که نه تنها همجنسگرایان در پی عادی جلوه دادن روابط بیمارناک خودشان هستند و می خواهند آن را هم تراز و هم پای تصاویر زنان و تصاویر جنسی زن و مرد جلوه دهند، بلکه با تحمیل چنین موقعیت هائی بر آن هستند تا همجنسگرایی

را در سطح توده های عظیم گسترش دهند. یعنی با به کار بستن ترفند نمایشی، موقعیت هائی را برای کاربران به وجود می آورند، که این آمیزش جنسی همجنسگرایانه صورت بگیرد، یعنی وضعیتی که بی شباهت به تجاوز جنسی نیست. به این معنا که این مرد جوان اگر در جهان مجازی تنها می خواهد زنان زیبا و عریان را تماشا کند، با مخلوط ساختن تصاویر همجنسگرا، وضعیتی را برای او فراهم می آورند که نگاهش اجباراً از روی تصاویر همجنسگرا عبور کند. بر این اساس می بینیم که جریان همجنسگرایی نه تنها خواهان بازشناسی اجتماعی خودشان هستند، بلکه به این بازشناسی بسنده نکرده در پی آلوده سازی همه به همجنسگرایی هستند. و چنان که می بینیم این کار را به زور در دنیای مجازی و اینترنت در سطح جهانی انجام می دهند.

در هر صورت هدف همان است که «آلن سورال» در مصاحباتش مطرح کرده است، از بین بردن یکی از بنیادهای مهم تمدن، یعنی از بین بردن الگوی زن و مرد، عشق و تولد کودکانی که در عشق به دنیا می آیند و سرانجام از بین بردن تداوم حیات بشریت. زیرا همجنسگرایان خلاف دعاوی رایج خواهان برابری حقوقی نیستند، بلکه عملاً در پی آلوده کردن تمام جامعه و حتی تمام جامعه جهانی هستند. چه چیزی را باید قانونی دانست، به جز این که بگوئیم همجنسگرایی یک اختلال در طبیعت است و به همین عنوان باید با آن رفتار کرد.

علاوه بر این در فراسوی این کارناوال همجنسگرایی، فرهنگ ها، ملت ها، کشورها و پایه های تمدن بشری برای اهداف و حرص و آز سیری ناپذیر اولترالیبرالیسم و سرمایه داران بزرگ مالی راه اندازی شده است.

پی نوشت :

1) Alain Soral le Mariage gay un plan satanique maçonnique

<http://www.youtube.com/watch?v=IlmIFaT6nw>

آلن سورال : ازدواج همجنسگرایان طرح شیطان پرستان و ماسونیک است

2) Pierre Bergé



«پی یر برژه» یک مقاطعه کار اشیاء لوکس و سرمایه دار فرانسوی است و به تاریخ ۱۴ نومبر ۱۹۳۰ در آرسو در جزیره اولرون به دنیا آمد. «پی یر برژه» دوست «ایو سن لوران» است و به او در ایجاد خانه لباس دوزی به همین نام کمک کرد. سال ۱۹۷۴ به عنوان مدیر اتاق سندیکای خیاطی و ایجاد مد انتخاب شد. از سال ۱۹۷۷ تا ۱۹۸۱ تأثیر «آنته» را مدیریت می کرد و سپس به مدیریت اپرای باستیل برگزیده شد، یعنی همان سالی که به عنوان سفیر داوطلب یونسکو نامیده شد. او از پشتیبانی مالی و رسانه ای حزب سوسیالیست برخوردار است و برای آرمان همجنسگرایان مبارزه می کند. سال ۲۰۱۰ او روزنامه «لوموند» را به همراهی «اگزایو نیل» و «ماتیو پیگاس» خریداری کرد. سال ۲۰۱۱ «پی یر برژه» دارای ثروتی معادل ۱۲۰ میلیون یورو می باشد (مرجع ویکیپدیای فرانسه).

3) La Vilaine Lulu

خیاط معروف «ایو سن لوران» سال ۱۹۶۷ کتاب مصوری با این نام منتشر کرد «قصه برای کودکان سادیک یا نابغه». «لولو» یک دختر بچه بوالهوس، لجباز، خود شیفته و بدی است که برای برآوردن آرزوهایش دست به هر کاری می زند. این داستان زمانی نوشته می شود که «ایو سن لوران» - خیاطی که خیلی مورد توجه ایرانیان نیز بود و در عصر پهلوی پولدارها لباس های کریستین دیور می خریدند - برای «کریستیان دیور» کار می کرد. منابع دیگری کتاب «لولو» بدجنس را کتابی شرم آور دانسته و آن را به مبلغ پدوفیلی، شیطان پرستی و پورنوگرافی کودکان افشاء می کنند (۳) و شگفت زده می پرسند که چگونه ممکن است که این کتاب هنوز منتشر می شود. یادآوری می کنیم که «لولو» مخفف نام «لوسیفر» (ابلیس) است. «لولو» تقریباً بین ۸ تا ۱۲ سال دارد، «لولو» عاشق یک مأمور آتش نشانی می شود ولی این مأمور یک نفر دیگر را دوست دارد و با او زندگی می کند... «لولو» به یک جادوگر مراجعه می کند و جادو گر فال ورق می گیرد... در صفحه بعد «لولو» را می بینیم که تعدادی کودک را کشته است. در این جا ما با مضمون قربانی کردن انسان برای «ونوس» رو به رو هستیم و علائم و نشانه های شیطان پرستی را می بینیم...



ایو سن لوران



<http://chretiens2000.skyrock.com/3053580347-La-vilaine-LuLu-Yves-Saint-Laurent-mis-a-jour.html>

4) FEMEN

5) Les Femen selon Alain Soral

<http://www.youtube.com/watch?v=k7zKPdQ76FE>

گاهنامه هنر و مبارزه